

تداوم فرزاد

فریدون گیلانی

gilani@f-gilani.com

www.f-gilani.com

با دیدن تکان تن تو بر تیرک تاریک روزگار
شب از مدار تحمل می گذرد
و صدای تو در خانه به خانه به در می کوبد
که پرنده دو باره به آشیانه باز می گردد
کوه دو باره به آستانه صبح می رسد
و گل دو باره در این همه باغ می شکفتد

تا تو را در آهنگ سپیده دمان برافرازیم
از طنابی که به گردن تو آویخته اند
زنجیری می سازیم به طول و عرض سراسر ایران
و گران به هیبت کوه های کردستان
فردا که آفتاب در آمد
زنجیری چنین که از بغض شاگردانت ساخته ایم
چنان به گردن روزگار می پیچد
که مسلخ مذکر این حرامیان ، در متن زمان
آئینه ی بلند بالای حکم مردم باشد
من با تو عهد می بندم که شعرم را
در حلقه های زنجیرشاگردانت
مثل ستاره صیقل بدهم .

اردیبهشت ۱۳۸۹